

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۹۰۷۲ رده بندی کنگره: ح ۲۴/۴۰۱

راهکارهای تحقق عدالت قضایی در فقه امامیه

(در مرحله ی قضاوت)

لیلا یعقوبی

محقق و پژوهشگر

چکیده

در فقه اسلام -خاصه فقه امامیه-همواره بر اهمیت و ضرورت عدالت در تمام زمینه ها تاکید شده که یکی از برجسته ترین جلوه های آن عدالت قضایی است. در فقه امامیه مرحله ی قضاوت مرحله ایست که قاضی می بایست با رعایت آداب قضاوت و نیز پایبندی به اصول عادلانه ی دادرسی به طور مستقل و بی طرفانه به دعوی رسیدگی نماید. حق و حقوقی نیز برای متهم قرار داده شده است از جمله، اصل برائت و بی گناهی متهم، حق دفاع از خود و حق توکیل. حتی می تواند سکوت کند و اقرار نکند، دستگاه قضا نیز باید شرایط را برای سرعت و سهولت در دادرسی فراهم کند. در این مقاله تلاش شده است به روش توصیفی تحلیلی به بیان راهکارهای تحقق عدالت قضایی از منظر فقه امامیه بپردازیم.

واژگان کلیدی: عدالت، قضاء، فقه امامیه

مقدمه

تحقق عدالت و عدالت گستری همواره یکی از اهداف انبیای الهی بوده و ارسال رسل برای اقامه ی قسط و عدل صورت گرفته است. یکی از اصلی ترین بسترهای تحقق عدالت، دستگاه قضایی است. دستگاه قضایی عادل زمینه ساز ظهور و بروز عدالت در دیگر جنبه های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... است. بنابراین توجه و اهتمام بر چگونگی نیل به تحقق عدالت قضایی امری مهم و حیاتی ست. از آنجا که معیار و میزان قانونگذاری در جامعه ی اسلامی، احکام الهی و موازین شرعی است، بنابراین لازم است بایسته های تحقق عدالت قضایی را در منابع فقه امامیه جستجو کرده و به عنوان راهکار ارائه نماییم. به همین منظور با بررسی متون فقه امامیه به روش توصیفی تحلیلی مهمترین راهکارهای تحقق عدالت قضایی را تبیین و برخی راهکارها در مرحله ی قضاوت را بررسی نموده و به مواردی چون اصول قضاوت عادلانه، آداب قضاوت و صفات قاضی پرداختیم. امید است پژوهش حاضر مورد توجه و استفاده ی علاقمندان قرار گیرد.

بخش اول: اصول قضاوت عادلانه

اصول مربوط به قاضی و دادگاه

• استقلال و بی طرفی مرجع قضایی (دادگاه و قاضی)

یکی از مهمترین ارکان استقرار عدالت و استقلال در جامعه ی اسلامی استقلال قضایی و استقلال قضات است.

شیخ طوسی می گوید: «قاضی نباید برای امور روزمره زندگی مثل معامله کردن شخصاً اقدام کند بلکه باید برای این گونه امور خود وکیل بگیرد و سزاوار است که وکیل او هم در میان مردم ناشناس باشد»^۱

این مهم سبب می شود که در معرض پیشنهاداتی چون رشوه و ... قرار نگیرد .

۱ - طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۸۹. و يستحب أن يكون وکیله مجهولاً لأنه إذا عرف حوبی لأجل القاضي، فكان وکیله كهو، فان خالف فی هذا فباع و اشترى بنفسه فالتصرف صحيح نافذ، لأنه ليس بمحرم، و إنما هو مكروه لأجل الحكم.

• بی طرفی قاضی

بی طرفی مصداق استقلال درونی و باطنی قاضی است به این معنا که تزکیه درونی و طهارت باطنی قاضی مانع از صدور حکم بر اساس هوی و هوس و یا طمع و ... خواهد شد در نتیجه صدور حکم واقعی و برقراری عدالت ناگزیر خواهد بود. اگر قاضی به استقلال درونی - بی طرفی - دست پیدا نکند در امر قضاوت توفیق نمی یابد.^۱

• سرعت و سهولت در قضاوت

سرعت عمل در دادرسی و جلوگیری از اتلاف وقت از جمله مهمترین اصول برقراری عدالت در نظام قضایی است، با وجود اینکه دقت و کیفیت اجرای عدالت در امر قضا مهم و ضروریست اما پرهیز از کندی و سستی در انجام کار و پرهیز از معطل کردن ارباب رجوع و انجام کار به موقع از راهکارهای تحقق عدالت قضایی است. از نظر فقههای امامیه، اصل عدم فوریت در دادرسی است مگر اینکه در صورت تعلل در دادرسی دو طرف دعوی یا یکی از ایشان متضرر شود که در این صورت، در صورت عدم عذر قاضی باید در اسرع وقت رسیدگی کند.^۲

• حق جرح و تعدیل شهود

این حق شامل حق احضار و سوال از شهود است. فقههای امامیه معتقدند حاکم اگر به عدالت شهود علم دارد بر اساس آن حکم میکند اما اگر به فسق شهود آگاه باشد فوراً شهادت آنها را رد میکند و اگر عدالت یا فسق شهود بر او مشتبه باشد واجب است تحقیق کند و اگر به اسلام آنها عالم باشد اما چیز دیگری داند بر اساس عقیده مشهور و بالاختصاص متاخرین باز هم واجب است تحقیق کند و تنها ظاهر مسلمان داشتن شهود کافی نیست.^۳

۱- عبدالله جوادی آملی، ادب قضا در اسلام، ج ۳، قم، ۱۳۹۱، ص ۱۷۲.

۲- کاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، ج ۶، ص ۴۱۵. الظاهر عدم الفوریة فی القضاء إذا ترفع إليه المتنازعان، إلا مع تضررها أو تضرر أحدهما بالتأخیر، فإن الظاهر وجوب المبادرة إليه حينئذ إذا لم یکن له عذر.

۳- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۱۱. (و کذا لو عرف إسلامهما) بل إیمانهما أیضا (وجهل عدالتهما توقف) عن الحكم حتی یبحث عن ذلك فـ (یبحثق) له (ما ینی علیه من تعدیل) (عدالة خ ل) (أو جرح)

• قضاوت عادلانه بر اساس احکام الهی

یکی از بایسته های اساسی قضاوت ، حکم کردن بر اساس احکام و قوانین الهی است. آیات متعددی مبین این مطلبند که به ذکر دو مورد اکتفا می نماییم.

« فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا »^۱. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرماید: «در این آیه خداوند برای اثبات اینکه مبداء حاکمیت تنها خداست ، و هیچ حاکمی جز آنکه خدا تعیین نموده و هیچ حکمی جز شریعتی که خدا آن را وضع کرده وجود ندارد، به ذات مقدس خود سوگند می خورد»^۲

«إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا»^۳ آیه مبنی بر ترغیب به عدل درباره قضاوت و داوری است، که هرگز قاضی از طریق میانه روی و عدالت بیرون نرود و به یک طرف دعوی تمایل نکند که ناگزیر در حکمیت ظلم و ستم نموده و حق صاحب حق را تضییع خواهد نمود. آیه قضاوت و داوری را بر دو پایه نهاده است : ۱- تعلّم احکام و حقوق و شرح و بسط آن ها. ۲- تطبیق قواعد کلی بر خود اختلاف، که فقط با رعایت این دو شرط حق را می توان تشخیص داده و به حق قضاوت نمود.^۴

• بازرسی دقیق نسبت به اعمال قضات

اسلام پس از تعیین حقوق مکفی برای قضات انتظار دارد که قاضی وظیفه ی خود را بطور شایسته و بدون تعلّل و مسامحه ایفاء کند. جستجو در تاریخ قضایی اسلام نشان می دهد که بازرسی در امور قضاء با دقت کامل بعمل می آمده و حتی کوچکترین تخلفی از موازین عدالت مورد مؤاخذه قرار می گرفته است،

۱- نساء (۳)، آیه ۶۵ به پروردگارت سوگند که آنها مؤمن نخواهند بود ، مگر اینکه در اختلافات خود ، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو ، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند. ناصر مکارم شیرازی، قرآن حکیم، ص

۲- محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۶۴۷.

۳- نساء (۴)، آیه ۱۰۵. ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم تا به آنچه خداوند به تو آموخته ، در میان مردم قضاوت کنی و از کسانی میاش که از خائنات حمایت نمایی! همان، ص ۹۸.

۵- سید محمد حسینی همدانی، همان کتاب، ج ۴، صص ۱۹۳-۱۹۲.

چنانکه امیر المؤمنین (علیه السلام)، ابوالاسود دؤلی را در اولین روز نصبش به عنوان قاضی، عزل کرد و در پاسخ ابوالاسود که دلیل عزل خود را جویا شد فرمود: در جریان قضاوت صداقت را از متداعیین بلندتر میکنی.^۱

۲-

بخش دوم: اصول مربوط به متهم

بند اول: اصل برائت متهم

بر اساس قاعده ی درء (ادرؤ الحدود بالشبهات) هرگاه در ارتکاب جرمی شبهه وجود داشته باشد مجازات متهم ساقط می شود.

درأ در لغت به معنای دفع کردن، تعطیل کردن و ساقط کردن آمده است.^۲ حدود جمع حد است که گاهی صفت مجازات شرعی و گاهی صفت جرمی است که مجازات شرعی دارد در این قاعده حد به معنای مجازات حدی است. شبهات نیز جمع شبهه به معنای التباس^۳، پوشیدگی کار^۴ و ... است.

فقههای امامیه در تعریف شبهه اختلاف نظر دارند برخی چون شهید اول شبهه را اماره ای میدانند که برای مرتکب موجب گمان به حلیت عمل شده و در نتیجه به عملی دست زده است که در واقع حرام است.^۵

برخی علاوه بر ظن و گمان، وهم به حلیت عمل ممنوع را نیز شبهه می دانند.^۶ و دلیل آن را عموم حدیث ادرأ الحدود بالشبهات عنوان می کنند. مرحوم خویی(ره) نیز بر این اعتقاد است که شبهه اعتقاد و یقین به مجاز بودن عملی است که در واقع حرام است و از جهل حکمی تقصیری ناشی می

۱ - حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۵۹. روی آن امیر المؤمنین (علیه السلام) ولی آیا الأسود الدؤلی القضاء ثم عزله، فقال له: لم عزلتني؟ وما خنت ولا جنيت! فقال (علیه السلام): «انی رأیت کلامک یعلو کلام خصمک»

۲ - خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۱، قم، دارالهجرة، دوم، ۱۴۰۹ ق، ص ۶۱.

۳ - اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، چهارم، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م، ج ۲۳۳۶: ۶.

۴ - احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، انتشارات اسلام، دهم، ۱۳۶۵. ص ۶۹۸.

۵ - جمال الدین مکی، القواعد والفوائد، قم، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۳۷.

۶ - زین الدین بن علی عاملی، مسالک الافهام، (چاپ سنگی)، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۷.

شود.^۱ طباطبایی نیز معتقد است که ضابطه ی شبهه آن چیزی است که باعث گمان به حلیت عمل شود بدون اینکه مخالفی در این مورد بیابم و شاید مفهوم لغوی و عرفی شبهه همین معناست.^۲

با وجود این تفاسیر مقصود از واژه حدود در کلام پیامبر (ص) معنای عام کلمه است چرا که فلسفه این قاعده تامین عدالت و منافع و مصالح متهمان است. بنابراین شبهه هم شامل شبهه عارض بر متهم می شود و هم شامل شبهه ی عارض بر قاضی. اگرچه آنچه از بیان پیامبر اکرم (ص) استفاده میشود متوجه حاکم شرع و قاضی است اما شبهه ی متهم نیز در نهایت به شبهه ی قاضی منجر می شود. این قاعده بیانگر این است که با تحقق شبهه و تردید، اجرای احکام الهی-یعنی حدود- نیز تعطیل می شود. بنابراین دارا بودن حسن نیت به دیگران و پرهیز از بدگمانی و سوءظن از عناصر مهم ایجاد بهداشت روانی در جامعه و تضمین امنیت و جلوگیری از وقوع جرم به شمار می آید.

• دامنه ی شمول این قاعده

از منظر فقههای امامیه این قاعده علاوه بر حق الله، حق الناس را نیز شامل می شود. البته که فقها در شمول این قاعده در حق الناس اختلاف دارند. استدلال فقهایی که این قاعده را منحصر به حدود می دانند اینست که حدود عمدتاً حق الله است و بنای شارع در این حدود بر مسامحه و تخفیف است. لذا اجرای قاعده در آن مشکلی ایجاد نمی کند. به عنوان مثال حضرت امام (ره) می فرماید: کسی که چیزی از محرمات الهی را که حرمت آن بین مسلمانان مورد اتفاق است مثل خوردن مردار، خون، گوشت خوک، و ربا را حلال بشمارد در صورتی که مسلمان زاده باشد و انکار او به تکذیب پیامبر اکرم (ص) و یا انکار

۱ - ابوالقاسم خویی، تکملة منهاج الصالحين، ج ۱، ص ۲۸، قم، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۲. المراد بالشبهة الموجبة لسقوط الحد هو الجهل عن قصور أو تقصير في المقدمات مع اعتقاد الحلية.

۲ - علی طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۱۳، ص ۱۰۱، قم، ۱۴۲۲، ص ۴۱۶. وضابطها: ما أوجب ظن الإباحة بلا خلاف أجده، ولعله المفهوم منه عرفاً ولغة.

اسلام برگردد کشته می شود و در غیر این صورت تعزیر می شود اما اگر انکارش بخاطر حصول شبهه باشد و احتمال شبهه درباره او صحیح باشد، تعزیر نمی شود.^۱

در مورد حق الناس نیز فقهای امامیه از جمله علامه مجلسی در تفسیر حدیثی که قاعده ی درء را مطرح کرده حدود را به معنای حد و قصاص و تعزیر گرفته است. آیین قاعده برای تحقق عدالت منافع و رعایت مصالح متهمان وضع شده است و فرقی بین اتهام موجب حد و یا تعزیر وجود ندارد.

بند دوم: برخورداری متهم از حق دفاع

حق دفاع متهم یکی از فرصت های مهم برای تحقق عدالت قضایی است اینکه به متهم اجازه داده شود درباره ی اتهاماتی که به او وارد شده اظهار نظر کرده و از خود دفاع کند. حضرت علی علیه السلام بر لزوم استماع اظهارات و دفاعیات متهم تاکید نموده و در بسیاری از موارد نیز متهم به دلیل اظهارات و دفاعیاتش تبرئه شده است.^۲

بند سوم: حق توکیل برای متهم

فقهای امامیه، توکیل را در همه امور جز در مواردی که غرض شارع به طور مستقیم به آنها تعلق گرفته و مباشرت مکلف را در انجام آن عمل شرط دانسته (مانند تحصیل طهارت)، جایز دانسته اند.^۴ بر این اساس از اطلاق کلام آنها - که وکالت را در اموری که قابل نیابت هستند، صحیح دانسته اند^۵ می توان مشروعیت وکالت را استنباط نمود زیرا برخورداری متهم از وکیل در دعوی به منظور دفاع از او و

۱- روح الله موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ۱۳۹۰، قم، ص ۴۸۱. من استحل شیئا من المحرمات المجمع علی تحریمها بین المسلمین کالمیتة والدّم ولحم الخنزیر والربا فان ولد علی الفطرة یقتل إن رجع إنکاره إلى تکذیب النبی صلی الله علیه وآله أو إنکار الشرع، وإلا فیعزر، ولو کان إنکاره لشبهة ممن صحت فی حقه فلا یعزر

۲- محمد تقی مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۰، ۲، ۱۴۲۰، قم، ص ۲۲۹ «و قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ادعوا» ادفعوا «الحدود» شاملة للجد و التعزیر والقصاص «بالشبهات»

۳ - محمدتقی شوشتری، قضا امیرالمؤمنین، تهران، پژوهشگاه علوم اسلامی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹، ص ۱۶-۱۵.

۴ - محمد حسن نجفی، جواهرالکلام، ج ۲۷، ص ۳۷۷. وقد یتفاد من التأمل فی کلام الأصحاب أن الأصل جواز الوکالة فی کل شیء، کما یومی إلى ذلک ذکر الدلیل فیما لا تصح فیه من النص علی اعتبار المباشرة ونحوها، مما یمنع من الوکالة دون ما صحت فیه، ولعل مرجع ذلک إلى دعوی اشتراط المباشرة ونحوها مما یمنع الوکالة، والأصل عدمها.

۲- طوسی، المبسوط، ج ۲، ص ۳۶۰. فکل من یصح تصرفه فی شیء مما تدخله النيابة صح التوکیل فیه .

ارائه شواهد قانونی در زمره اموری است که نیابت در آن صحیح است. ابن ادریس در سرائر^۱ و علامه حلی در مختلف^۲ نیز به این موضوع پرداخته‌اند.

بند چهارم: حق سکوت متهم و عدم اقرار

در فقه امامیه تصریح شده است که در جریان دادرسی متهمان به نقض حدود الهی و حق الله نه تنها اجبار به اقرار نمی‌شدند بلکه به خودداری از اقرار ترغیب می‌شدند.^۳

برخی از فقها در مورد چنین روایاتی اینگونه استنتاج می‌فرمایند که وقتی معصومین علیهم السلام در مورد تصیم جدی و قطعی مقرر ایجاد تردید می‌نمایند به طریق اولی شخصی که به جرمی اعتراف نکرده، مجبور کردن او به اقرار وجهی نخواهد داشت. شیخ طوسی در المبسوط با عبارت لا یلزم الجواب^۴ و رخی با عبارت فلا یجب الزامه بالبیان^۵ به این نکته تصریح می‌کنند. برخی از فقها نیز با عبارت لم یکلف یکلف البیان به عدم اجبار متهم به اقرار اذعان داشته‌اند.^۶

۱- ابن ادریس الحلی، السرائر، ج ۲، ۲، قم، ۱۴۱۰ ق، ص ۸۷، فأما بیان من یجوز له التوکیل، فکل من یصح تصرفه فی شیء، تدخله النيابة، صح التوکیل فیه.

۳ - حلی، مختلف الشیعه، ج ۶، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۳. المشهور بین علمائنا أنه یجوز للحاضر أن یوکل فی الخصومه، ولا یلزمه الحضور، سواء رضی خصمه بذلك أو لا.

۴- محمد بن یعقوب کلینی، الفروع الکافی، ج ۷، تهران، ۱۳۶۷، ص ۱۸۸. علی بن ابراهیم، عن أحمد بن محمد بن خالد رفعه إلى أمير المؤمنين عليه السلام قال: أتاه رجل بالكوفه فقال: يا أمير المؤمنين إني زنيبت فطهرني قال: ممن أنت؟ قال: من مزينة قال: أتقرء من القرآن شيئاً؟ قال: بلى قال: فاقراء فقرأ فأجاد فقال: أبك جنه؟ قال: لا، قال: فاذهب حتى نسأل عنك فذهب الرجل ثم رجع إليه بعد فقال: يا أمير المؤمنين إني زنيبت فطهرني، فقال: الك زوجة؟ قال: بلى، قال: فمقيمه معك في البلد؟ قال: نعم، قال: فأمره أمير المؤمنين عليه السلام فذهب وقال: حتى نسأل عنك فبعث إلى قومه فسأل عن خبره فقالوا: يا أمير المؤمنين صحيح العقل فرجع إليه الثالثة فقال له مثل مقالته، فقال له: اذهب حتى نسأل عنك فرجع إليه الرابعة فلما أقر قال أمير المؤمنين عليه السلام لقنبر: احتفظ به ثم غضب ثم قال: ما أقيح بالرجل منكم أن يأتي بعض هذه الفواش فيفضح نفسه على رؤوس الملا أفلا تاب في بيته فوالله لتوتبه فيما بينه وبين الله أفضل من إقامتي عليه الحد.

۴ - طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۲۱۵. و أما حقوق الله فعلى ضربين حق لا يتعلق بالمال، و حق يتعلق بالمال فأما ما لا يتعلق بالمال كحد الزنا و شرب الخمر و غیر ذلك فلا یسمع فيه الدعوی، و لا یلزم الجواب

۲- وعلى الجملة فلا یجب الزامه بالبیان ولا یکلف التفصیل وقد وافق علی ذلك صاحب المسالك والجواهر، محمد رضا گلپایگانی، الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۱، ۱، ۱۴۱۲، قم، ص ۱۵۰.

۶- محمد حسن فیض کاشانی، مفاتیح الشرائع، ج ۲، ۱، ۱۴۰۱، ص ۱۰۷. ولو أقر بحد ولم یبینه لم یکلف البیان، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۸۵. إذا أقر بحد و لم یبینه لم یکلف البیان، بل استحب الاعراض عنه.

اما در بحث حقوق الناس و در صورت سکوت از روی عمد و عناد، اگر سکوت به دلیل بیماری نباشد و طرف سالم باشد و از روی عناد سکوت کند، بنابر نظر شیخ طوسی در نهاییه، زندانی می شود تا اقرار کند یا انکار، مگر اینکه خصم از حشش بگذرد.^۱ ابن ادریس نیز در این باره می فرماید: در این مساله حاکم حکم به نکول وی می دهد و مدعی باید قسم بخورد.^۲ در صورتی که مدعی علیه سکوت کند یا بگوید اقرار نمی کنم و انکار نمی کنم حاکم به او میگوید پاسخ بده وگرنه تو را نکول کننده قرار میدهم و مدعی را سوگند می دهیم.^۳

بخش سوم: آداب قضاوت و صفات قاضی

بند اول: آداب قضاء

علاوه بر اوصافی که تحت عنوان شرایط کمال و اولویت در فقه مطرح گردیده، در بحث آداب قضاء و چگونگی حکم نیز به عنوان آداب مستحب موارد مختلفی ذکر شده که رعایت آن از سوی قاضی موجب کمال دادرسی وی خواهد بود و بر تحقق عدالت قضایی تاثیر بسزایی خواهد داشت، همچنین آداب واجب و حرام و مکروهی نیز ذکر شده که باید به آنها توجه نمود.

• آداب مستحب

علنی بودن قضاوت

منظور از علنی بودن قضاوت حضور آزادانه ی عموم در جلسات قضاوت، برای مشاهده ی اجرای دقیق قوانین و حصول اطمینان از بی طرفی قضات و اقامه ی عدالت است. بنابراین علنی بودن قضاوت از دو

۴- ابن ادریس حلی، السرائر، ج ۲، ص ۱۶۲ و ابن کان یتساکت عن خصمه، وهو صحیح قادر علی الکلام، وإنما یعانده بالسکوت، قال شیخنا فی نهایته: أمر بحبسه حتی یقرّ أو ینکر، إلا أن یعفو الخصم عن حقه علیه. وكذلك إن أقرّ بشيء، ولم یبینه، كأنه یقول له علی شيء، ولا یذكر ما هو، ألزمه الحاكم بیان ما أقرّ به، فإن لم یفعل، حبسه حتی یبین.

۵- همان. قال محمد بن إدريس: والصحيح من مذهبنا، وأقوال أصحابنا، وما يقضيه المذهب، أن في المسألتين معا يجعله الحاكم ناكلا، ويرد اليمين علی خصمه. همان.

۳- همان. وهو إذا سكت أو قال لا أقرّ، ولا أنكر، قال له الحاكم ثلاثا: إما أجبت عن الدعوى، وإلا جعلناك ناكلا، وردنا اليمين علی خصمك.

جهت دارای مصلحت است، یکی حمایت از متهم در برابر محاکمه ی پنهانی و دیگر جلب اعتماد عموم نسبت به اجرای قانون و عدالت که در فقه امامیه به این مهم تصریح شده است. همچنین قاضی باید زمان حضور خود را در دادگاه به اطلاع عموم برساند و دادگاه را در مکانی مشخص و در دسترس عموم به صورت علنی برگزار کند و نگهبان و دربان هم برای آن قرار ندهد تا همگان بتوانند به آسانی به آنجا مراجعه کنند.^۱

بند دوم: اطلاع از احوال متهمین

قاضی قبل از هرچیز باید از حال زندانیان آگاه شود و نسبت به آزادی یا ادامگی حبس آنان تصمیم بگیرد. این امر مستحب است^۲ و فقهای امامیه^۳ به آن معتقدند.

بند سوم: مشورت با علما

قاضی باید هنگام دادرسی با علما مشورت کند تا در صدور حکم دچار لغزش نگردد.^۴ شهید ثانی نیز در مسالک الافهام به این مهم اذعان نموده و می فرماید: مراد از اهل علم و علما مجتهدین در احکام شرعی هستند نه مطلق علما.^۵

۱- طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۸، ص ۸۷، و إذا أراد القاضي أن يقضى بين الناس فالمستحب أن يقضى في موضع بارز للناس مثل رحبة أو فضاء ليصل كل ذي حاجة إليه من غير مزاحمة، فيكون أرفق بهم، و يستحب أن يكون في وسط البلد لأنه أقرب ما يكون إلى المساواة بين الناس، فان نزل في طرف البلد أو قضى في بيته أو موضع ضيق و يستحب أن يصل إليه في مجلس حكمه كل أحد و لا يتخذ حاجبا يحجب الناس عن الوصول إليه، بلى إن كان له حاجب لغير هذا اليوم جاز، روی أبو مریم صاحب رسول الله (صلی الله علیه و آله) (أنه) قال من ولی شئنا من أمور الناس فاحتجب دون حاجتهم و فاقتهم احتجب الله دون حاجته و فاقته و فقره.

۲- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۷۴، إذا تفرغ القاضي من مهماته وأراد القضاء استحسب له أن (يسأل) أولا (عن أهل السجن).

۳- طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۹۱، فإذا جلس للقضاء فأول شيء ينظر فيه حال المحبسين في حبس المعزول لأن الحبس عذاب فيخلصهم منه، و لأنه قد يكون منهم من تم عليه الحبس بغير حق و حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳، ص ۴۲۷. ثم ينظر أول جلوسه فی المحبوسین، فیطلق كل من حبس بظلم أو ترییر، و من اعترف أنه حبس بحق أقره و زين الدين عاملي، مسالک الافهام، ج ۱۳، ص ۳۶، و محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۷۳.

۱- محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۳، تهران: استقلال، ۱۴۰۹، صص ۷۴-۷۳. و يحضر من أهل العلم من يشهد حكمه.

۲- زين الدين عاملي، مسالک الافهام، ج ۱۳، ص ۳۷۳. و يحضر من أهل العلم من يشهد حكمه، فإن أخطأ نَهَوهُ، لأن المصیب عندنا واحد. و يخالصهم فيما يستنبههم من المسائل النظرية، لتقع الفتوى مقررّة.

بند چهارم: تلاش برای ایجاد صلح

بر قاضی مستحب است ابتدا دو طرف خصم را به صلح دعوت کند^۱ البته بدون اینکه به نفع یکی از طرفین دعوا وساطت کند و از صاحب حق بخواهد از حقش بگذرد و یا مهلت بدهد.^۲

بند پنجم: تفریق شهود

یکی دیگر از مستحبات در اسلام تفریق الشهود است، یعنی قاضی باید شاهدان را از یکدیگر جدا کند و سپس از آنها بازجویی نماید. برای اینکه ممکن است با هم تبانی کرده باشند، فقهایی چون حر عاملی در وسائل الشیعه بایی را به این مهم اختصاص داده و می فرماید مستحب است قاضی هر کدام از شاهدان را به تنهایی بخواهد و بازجویی کند و از مشخصات قضیه از آنها سوال کند، در صورتی که جواب‌ها مختلف باشد شهادتشان را رد کند.^۳

بخش چهارم: آداب مکروه

قضاوت در حال اشتغال نفس یعنی در حالی که قاضی به دلیل مشغول بودن ذهنش توان تفکر و توجه و تمرکز بر امور را ندارد و نیز هر چیزی که باعث مشغولیت ذهن قاضی شود مانع از قضاوت (عادلان) است.^۴ قضاوت در حال غضب یا حالات مشابه دیگر نظیر گرسنگی و تشنگی و غم و شادی و درد و امثال آن مکروه است.^۵

۳- زین الدین عاملی، الروضة البهیه فی شرح للمعه الدمشقیه، ج ۳، چاپ اول، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق، ص ۷۵. و مستحب له قبل الحكم ترغیبهما فی الصلح

۴- محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۰، ص ۱۴۵ و زین الدین عاملی، مسالک الافهام، ج ۱۳، ص ۴۳۱. إذا ترفع الخصمان وکان الحكم واضحا لزمه القضاء و لكن يستحب ترغیبهما فی الصلح الذی هو خیر، ولا ینافی ذلک فوریة القضاء عرفا حتی لو طلب المحکوم له تنجیز الحكم عاجلا (فان أیبا) أو أی أحدهما إلا المناجزة حکم بینهما کما هو واضح.

۱- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۰۳. انه يستحب للقاضی تفریق الشهود عند الریبه واستقصاء سؤالهم عن مشخصات القضية، فان اختلفوا ردت شهادتهم، وعدم وجوب التفریق.

۴ - مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱۲، ص ۴۳. ویظهر منها أن المراد منع القضاء مع حالة مشغلة للنفس عن التفکر واستیفائه وبذل الجهد والتوجه بکله، فیتعدی إلى کل ما هو کذلک مثل ما مر، مع عدم نص فیه.

۵ - محمد بن مکی، للمعه الدمشقیه، ص ۹۰. وَ يُکرَهُ أَنْ یَشْفَعَ فِی إِسْقَاطِ أَوْ إِطْلَالِ أَوْ یَتَّخِذَ حَاجِبًا وَقْتُ الْقَضَاءِ أَوْ یَقْضِیَ مَعَ اشْتِغَالِ الْقَلْبِ بِغَاسٍ أَوْ جُوعٍ أَوْ هَمٍّ أَوْ غَمٍّ أَوْ غَضَبٍ.

بر قاضی مکروه است که حین قضاوت خود را عبوس نشان دهد، چه ممکن است طرفین نتوانند در این حالت سخن بگویند و نیز مکروه است که بیش از اندازه گشاده رو باشد، زیرا منجر به تجربی طرفین می شود.

بر قاضی مکروه است که شاهی را که دارای بصیرت و ایمان قوی است به رنج و مشقت اندازد، یعنی در استعمال خصوصیات واقعه ای که وی به آن شهادت داده است بیش از اندازه پرسش نماید.^۱

بخش پنجم: آداب واجب

بند اول: رعایت مساوات در آداب ظاهری بین دو طرف دعوی

بنا بر نظر فقهای امامیه چون محقق حلی^۲، علامه حلی^۳، شیخ صدوق^۴، شهید اول^۵ و قول مشهور^۶، با استفاده از عبارت "إنما تجب التسوية مع تساوی فی الإسلام و الکفر" اذعان داشته اند که مساوات بین دو طرف دعوی (در صورت تساوی در اسلام و کفر) از سوی قاضی واجب است.

رعایت مساوات بین طرفین دعوا به معنی مساوی دانستن دو طرف در سلام و جواب سلام و نگاه کردن و نشست و برخاست و شنیدن دعوی و صحبت کردن و دیگر موارد اکرام و احترام است.^۷ مشهور فقها گفته اند که مستحب است قاضی پشت به قبله و طرفین دعوا رو به قبله بنشینند^۸ و هیچکدام پهلوی قاضی ننشینند^۹. اگر قاضی بخواهد یکی را پهلوی خود بنشاند، این احترام به اوست بنابراین در مقام

۴- محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، صص ۷۸-۷۴.

۲- محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۷۱. «إنما تجب التسوية مع تساوی فی الإسلام و الکفر»

۳- حلی، تحریر الاحکام، ج ۲، ص ۱۸۳. «إذا دخل الخصمان عدل بينهما فی الکلام و السلام و الجلوس و النظر و الإنصات و العدل فی الحکم و إنما تجب التسوية مع تساوی فی الإسلام و الکفر»

۴- ابن بابویه قمی، المقنع، ص ۳۳.

۵- محمد بن مکی، اللعة الدمشقية، ص ۹۴.

۶- مرتضی انصاری، کتاب القضاء، ص ۱۱۲.

۷- زین الدین عاملی، مسالک الافهام، ج ۱۳، ص ۴۲۷. «من وظيفة الحاكم أن يسوى بين الخصمين فی السلام عليهما، و جوابه لهما، و إجلاسهما، و القيام لهما، و النظر و الاستماع و الکلام و طلاقة الوجه، و سائر أنواع الإكرام».

۸- مفید، المقنعه، ص ۷۳۲ و مجلس مستدبر القبلة، لتكون وجوه الخصوم إذا وقفوا بين يديه مستقبله القبلة.

۹- نعمان مغربی، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۷، ح ۱۹۰۶. «عن رسول الله (صلى الله عليه وآله)، أنه نهى أن ينزل الخصم على قاض»

قضاوت باید هر دو روبروی قاضی بنشینند و هیچ تفاوتی بینشان گذاشته نشود حتی قاضی نباید در مقام صدا زدن یکی را با احترام صدا بزند و دیگران را بدون احترام.

قاضی ابتدا باید سخنان مدعی را بشنود و در صورتی که مدعی علیه، سخنان مدعی را با ادعای خودش قطع کند، قاضی نباید به او توجه کند، مگر اینکه اظهارات مدعی علیه در جواب ادعای مدعی باشد و این جواب به صدور حکم منتهی شود.^۱

بخش ششم: آداب حرام

قاضی نباید به یکی از دو طرف دعوی چیزی را تلقین کند که باعث شود به دیگری ظلم شود.^۲

قاضی در مورد حق الناس حق ندارد از اقرار اصحاب دعوی جلوگیری کند، اما در مورد حق الله جایز است که قاضی شخص را از اقرار منع کند.^۳

اگر یکی از شهود در ادای شهادتش شک دارد، جایز نیست او را تشویق به ادای شهادت کند و نیز هنگام ادای شهادت نباید در اظهارات شهود دخالت کند و آنها را در بیان شهادت به نفع یا ضرر یکی از طرفین، ارشاد کند.^۴

نتیجه گیری

جایگاه و اهمیت نظام قضایی بر کسی پوشیده نیست و بعث پیامبران الهی به منظور اقامه عدل در تمام زمینه هاست. عدالت در نظام قضایی بستر اصلی برقراری عدالت در دیگر زمینه هاست. بنابراین فقه امامیه به صورت جامع و کامل برای تحقق عدالت قضایی راهکار ارائه نموده و بیشتر آن موارد را با ذکر جزئیات تشریح نموده است.

۹- طوسی، المبسوط، ج ۸، ص ۱۵۰. إذا جلس الخصمان بين يديه لم يكن له أن يلقن أحدهما ما فيه ضرر على خصمه و لا يهديه إليه مثل أن يقصد الإقرار فيلقنه الإنكار، أو يقصد اليمين فيلقنه ألا يحلف .

۱- همان . و كذلك في الشهادة إذا أحس منه التوقف في شهادته لم يكن له أن يشير عليه بالاقdam عليها، و إذا أحس منه الاقدام عليها لا يلقنه التوقف عنها، لأن عليه أن يسوي بينهما فيما يجد السبيل إليه فإذا لقن واحدا منهما فقد ظلم الآخر و أفضى إلى إيقاف حقه.

۲- همان، فأما ما يتعلق بحقوق الله، فإنه يجوز التلقين فيها و التنبيه على ما يسقطها.

۳- محقق حلی، شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۷۸.

در مرحله قضاوت، فقه امامیه بر لزوم دادرسی عادلانه تاکید نموده و اصول و بایسته هایی را برای هر کدام از قاضی و طرفین دعوی و دستگاه قضا مطرح می کند. مواردی از این اصول را بررسی نمودیم از جمله استقلال قاضی و دستگاه قضایی که یکی از مهمترین ارکان تحقق عدالت قضایی است. استقلال دو وجه دارد یک وجه درونی که به ثبات شخصیت قاضی برمیگردد و یک وجه بیرونی که ایشان، نباید تحت تاثیر روابط خانوادگی و علقه ی خویشاوندی و ... قرار بگیرند و مناسبات اجتماعی و سیاسی و تمایلات مادی و جناحی نباید هیچ تاثیری در حکم صادره از سوی آنان داشته باشد.

راهکار دیگر اینست که قاضی از حق جرح و تعدیل شهود برخوردار است، این حق شامل حق احضار و سوال از شهود است. فقههای امامیه معتقدند حاکم اگر به عدالت شهود علم دارد بر اساس آن حکم میکند اما اگر به فسق شهود آگاه باشد فوراً شهادت آنها را رد میکند و اگر عدالت یا فسق شهود بر او مشتبه باشد واجب است تحقیق کند و اگر به اسلام آنها عالم باشد اما چیز دیگری نداند بر اساس عقیده مشهور و بالاخص متاخرین باز هم واجب است تحقیق کند و تنها ظاهر مسلمان داشتن شهود کافی نیست.

سرعت و سهولت در دادرسی در صورتی که تعلل در آن باعث متضرر شدن اصحاب دعوی شود به عقیده ی فقههای امامیه واجب است. القای مطلب به یکی از دو طرف دعوی و یا منع از اقرار اصحاب دعوی نیز از موارد غیر مجاز برای قاضی در فقه امامیه است. تلاش برای ایجاد صلح بر قاضی مستحب است، مشورت با علما در مجلس قضا و اطلاع از احوال متهمین و محبوسین و تفریق شهود-بازپرسی از شهود به به صورت جدا از هم-از موارد توصیه شده در فقه امامیه است. حق دفاع، حق سکوت و عدم اقرار و نیز توکیل از حقوقی ست که فقه امامیه برای متهم قرار داده شده است.

پیشنهادهات

۱- راهکارهای فقه امامیه در زمینه ی تحقق عدالت قضایی بسیار گسترده است و در یک پژوهش نمی گنجد. لذا بررسی دیگر راهکارها در قالب پژوهش های دیگر ضروری می نماید.

۲- علاوه بر بررسی راهکارهای فقهی تحقق عدالت قضایی، تطبیق این راهکارها با قوانین حقوقی و جاری در دستگاه قضایی نیز امری لازم و ضروریست.

۳-تلفیق فقه و حقوق و نظارت و بررسی این موضوع که قوانین حقوقی مطابق با راهکارهای فقهی باشد نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۴-تربیت طلاب علوم دینی برای مشاغلی چون وکالت و قضاوت بر اساس فقه امامیه کمک شایان توجهی به تحقق عدالت قضایی خواهد کرد.

۵-اهتمام و توجه به گزینش قضات و سایر مسئولان دستگاه قضا و انتخاب و انتصاب افراد شایسته

۶-همکاری نزدیک فقها و حقوق دانان در رسیدگی به دعاوی -استفاده از ظرفیت های حوزه در کنار حقوق دانان فارغ التحصیل دانشگاهی-

۷-نظارت مستمر و جدی به کار قضات و دست اندرکاران دستگاه قضا

تشکر و قدردانی

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق راهم ساخت تا این مقاله را به پایان برسانم. از استاد گرانقدر سرکار خانم دکتر قنبرعلی عزیز و استاد فاضل جناب آقای دکتر یاری بزرگوار که با ایجاد انگیزه و هدایت و راهنمایی بی دریغ نگارنده را مورد لطف خود قرار داده‌اند، کمال تشکر را دارم.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف) منابع فارسی

- ۱- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، محمدباقر موسوی همدانی (مترجم)، ج ۱۹، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- ۲ اصول کافی، ج ۲، ترجمه و شرح، سید هاشم رسولی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت علیه السلام.
- ۳- مکارم شیرازی، ناصر، قرآن حکیم و شرح آیات منتخب، چاپ یازدهم، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۹۳.
- ۴ تفسیر نمونه، ج ۴، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۵- مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، ج ۲، چاپ اول، قم، مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۷۷.
- ۶- موسوی خمینی، روح الله تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۱، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ۱۳۸۵.
- ۷ صحیفه امام، ج ۱۰، چاپ ۵، تهران، ۱۳۸۹.

ب) منابع عربی

- ۱- آملی، عبدالله جوادی، ادب قضا در اسلام، ج ۳، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۱.
- ۲- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۲، قم، موسسه نشر اسلامی.

۳- حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، مؤسسه آل البيت عليهم السلام (محقق/مصحح)، ج ۲۷، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹ ق.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲۹، بی تا، قم.

۵- حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳

۶- صدوق، المقنع، بی جا، مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام، ۱۴۱۵.

۷- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامیه، ج ۸، چاپ اول، قم، المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۵۱ ق

۸- عاملی، زین الدین، مسالک الافهام الی التتقیح الشرایع الاسلام، ج ۱۳، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۳.

۹- مسالک الافهام، (چاپ سنگی)، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۷.

۱۰- الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه، ج ۳، چاپ اول، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲

۱۱- الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه، ج ۳، بی تا، بی تا.

۱۲- عاملی، شمس الدین محمد بن مکی، الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه، قم، مکتبه الفقه و الاصول، بی تا.

۱۳- الدروس الشرعیه، ج ۲، مؤسسه نشر اسلامی، قم، بی تا.

۱۴- مفید، المقنعه، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، بی تا.

۱۵- موسوی الخمیني، روح الله، تحریر الوسیله، چاپ دوم، نجف: مطبعه الآداب، ۱۳۹۰ ق

۱۶- موسوی اردبیلی، عبدالکریم، فقه القضاء، ج ۱، چاپ سوم، قم، مؤسسه نشر جامعه المفید، ۱۳۸۱.

۱۷- محمد تقی مجلسی، روضه المتقین، ج ۱۰، چاپ دوم، قم، ۱۴۲۰.

۱۸- مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، ۱۳۸۵.

۱۹- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۴۰، چ ۷، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲

۲۰، جواهر الکلام، ج ۱۳، تهران، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۲.

۲۱- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، قم، ج ۱۷، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، بی تا.

<http://lib.eshia.ir>

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی کرمانشاه

دانشگاه فرهنگیان
جمهوری اسلامی ایران
وزارت آموزش و پرورش

مصدور گواهی نامه معتبر
پذیرش و ارائه مقاله
(با عضویت در جلسه و حضور نام مشخص)

پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir www.Ghanonyar.ir

محورهای پذیرش مقالات

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش
دکتر شهلا رضایی

دبیر علمی و مسئول همایش
دکتر بهنام اسدی

مکان و زمان برگزاری همایش
کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران
OLOMENSANI@YAHOO.COM

ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
(در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
Scientific Information Database
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information Database
  DRJI
Directory of Research Journals Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science